

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی

نفسه‌بختیاری^۱
اسماعیل سلیمانی^۲

چکیده

هدف: این تحقیق با هدف مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی دانشگاه ارومیه انجام شده است. **روش:** روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه مورد مطالعه پژوهش، شامل کلیه دانشجویان متقلب دارای حکم انضباطی از سوی کمیته انضباطی بود که در بازه زمانی 95-1392 این حکم را دریافت کرده بودند. برای نیل به هدف، 20 دانشجوی متقلب و 20 دانشجوی غیر متقلب با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه هوش اخلاقی لینک و کیل استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد هوش اخلاقی و مؤلفه‌های درستکاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش دانشجویان متقلب کمتر از دانشجویان غیر متقلب است؛ ولی در مؤلفه دلسوزی تفاوت معناداری به دست نیامد. **نتیجه‌گیری:** تقویت باورهای اخلاقی دانشجویان می‌تواند موجب تقویت سیاست‌گذاری‌های کلان در ساختار دانشگاهی برای جلوگیری از گسترش تقلب شود.

واژگان کلیدی: تقلب، هوش اخلاقی.

◇ دریافت مقاله: 95/05/28؛ تصویب نهایی: 96/02/30.

1. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه ارومیه.

2. دکترای تخصصی روان‌شناسی، استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه، (نویسنده مسئول) / نشانی: آذربایجان غربی، ارومیه، والفجر 2، خ

صدا و سیما، دانشکده ادبیات، گروه علوم تربیتی / شماره: 04433364500 / Email: E.soleimani@urmia.ac.ir

الف) مقدمه

تقلّب تحصیلی یکی از موضوعات چالش برانگیز در محیط‌های آموزشی است. مطالعات انجام شده در زمینه تقلّب، حاکی از رایج بودن این امر در مؤسسه‌های آموزشی است. عدم صداقت علمی با ورود دانش‌آموز به بستر آموزش آغاز می‌شود و هیچ گروه سنی را نمی‌توان از این عمل مستثنا دانست. تقلّب در میان دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، دبیرستان و همچنین دانشجویان دانشگاه‌ها رایج است. با این وجود، تحقیقات بسیاری اذعان می‌کنند که تقلّب در دانشگاه‌ها رایج‌تر از سایر دوره‌هاست. اکثر دانشجویان، نوعی بی‌صداقتی تحصیلی را در طول دوران تحصیل خود گزارش کرده‌اند. (خامسان و امیری، 1390)

هنجارها، قواعدی بر رفتارند که ارزشهای یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند و تقلّب، تحلیف از هنجارهاست. شیوع بالای تقلّب، هشدار برای جامعه است و گویای آن است که روند تبعیت از قانون، دچار مشکل شده است. با توجه به اینکه مسئله اجتماعی، وضعیت اظهار شده‌ای است که با ارزشهای شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و برای تغییر آن وضعیت باید اقدام کرد، موضوع تقلّب در امتحان نیز مسئله‌ای اجتماعی است؛ زیرا هدف از نهادهای آموزشی، آشنایی افراد با ارزشهای جامعه و به نوعی جامعه‌پذیری آنان است و هنگامی که در این نهادها، افراد به جای تبعیت از هنجارهای مشروع، انواع سرپیچی از هنجارها و ارزشهای جامعه را فراگیرند، در جامعه نیز برای رسیدن به هدف، همین راه را ادامه خواهند داد. (رابینگتن و واینبرگ،¹ 1382)

ب) بیان مسئله

امروزه تقلّب از مهم‌ترین تهدیدهایی است که مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها با آن مواجه‌اند. از آنجا که انسان عامل اصلی در وقوع تقلّب است، مطالعه عوامل و ویژگی‌های زمینه‌ساز تقلّب، می‌تواند از راه‌حلهای مفید برای پیشگیری از آن باشد. بایستی سازمانها متغیرهای مؤثر بر بروز تقلّب را بشناسند و کنترلها و برنامه‌های سازمانی را در جهت قرار دهند که امکان فرصت‌دهی به افراد مستعد تقلّب کاهش یابد. مراکز آموزشی و دانشگاهی همچنین باید با تقویت علمی اساتید و دانشجویان در جهت کاهش این گونه فرصتها گام بردارند. تحلیفات در امتحانات و ورقه‌های امتحانی شدیدتر از آنچه تصور می‌شود، انجام می‌گیرد. اشکال دیگر تقلّب، مانند اجازه دادن به دوستان برای کپی‌برداری از روی تکلیف محول شده و ارجاع منابع در یک مقاله، با شدت کمتری مشاهده می‌شود. همچنین تقلّب دانشجویان در برخی رشته‌ها به شدت بیشتر از دانشجویان سایر رشته‌های تحصیلی است. دانشجویان کپی کردن را به احتمال زیاد با علت شرایط خاص،

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی ♦ 207

مانند دوره‌ای که خوب تدریس نشده یا امتحان سخت، توجیه می‌کنند. بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های تقلب، نگرش و رفتار عوامل موقعیتی (برای مثال، ویژگی‌های محیط دانشگاهی دانشجویان) است. همچنین عواملی که نگرش و رفتار دانشجویان را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهند، با هنجارهای کلاس درس و شدت برخورد مؤسسه آموزشی نسبت به متخلف رابطه مستقیم دارند (میلر و ایزاک،¹ 2017). حدود 92 درصد از پاسخ‌دهندگان در تحقیقی اظهار کردند که از قوانین تقلب آگاهی داشتند. با این حال، تنها 31 درصد آنان از درک خود نسبت به تقلب، امتیاز بالایی کسب کردند. حدود 40 درصد از اساتید، شاهد درگیری همکاران خود در تقلب علمی بودند؛ اما اکثر این اعمال (94 درصد) هرگز گزارش نشده بود. همچنین در این تحقیق، از علل برجسته عدم گزارش تقلب علمی توسط اساتید، پیگیری نمرات خوب، مسئولیت علمی بالا و فشار از طرف خانواده‌ها و سرپرستان گزارش شده است. پاسخ‌دهندگان معتقد بودند نوشتن از روی برگه دوستان بدون اجازه آنها یک جرم جدی است، ولی انجام این کار با اجازه آنها جرم نیست. دانشجویان نمونه موافق با تقلب در این تحقیق، معتقد بودند آنها هیچ سوء رفتاری نداشته‌اند وقتی طرفین درگیر، موافق این عمل بوده‌اند. با توجه به تصورات غلط دانشجویان، مؤسسات آموزشی می‌بایست به دانشجویان خود کمک کنند تا درک بهتری از تفاوت بین تخلفات علمی، اشکال مختلف تقلب و همچنین علت اجتناب از تقلب را به دست آورند (سانا و همکاران،² 2016). در پژوهش دیگری، سوء رفتار در محیط آموزشی (مانند حواس‌پرتی در کلاس درس، انجام ندادن تکالیف منزل و غیبه‌های مکرر در طول ترم) به طور قابل ملاحظه‌ای پیش‌بینی‌کننده تقلب در محیط آزمایشگاهی است و اظهار می‌دارد اندازه‌گیری آزمایشگاهی تقلب، تعمیم کیفی به آنچه در محیط واقعی و به طور طبیعی اتفاق می‌افتد دارد. (کوهن و مارشال،³ 2016)

یکی از مسائل دانشگاهی، تقلب در امتحان است. رفتار تقلب در محیط دانشگاهی در حال افزایش است (مک‌کیب، تریویون و باترفیلد،⁴ 2001؛ فانتزه و همکاران،⁵ 2011) و اکثر دانشجویان، نوعی بی‌صدافتی تحصیلی را در طول دوران تحصیل خود گزارش کرده‌اند. تقلب در لغتنامه، معادل ناراستی، دورویی، مکر، دروغ، خیانت، نفاق و نادرستی تعریف شده است و در حوزه‌های مختلف به انواع مختلفی تعریف می‌شود (خامسان و امیری، 1390). تقلب در صورت شیوع، مانعی در جهت تحقق ارزش قانون‌گرایی است و اعتماد اجتماعی را در جامعه متزلزل می‌کند. شیوع تقلب در یک جامعه، همچنین می‌تواند شاخصی از وجود ناهنجاری اجتماعی

1. Miller & Izsak
2. Saana, Ablordeppey, Mensah & Karikari
3. Cohn & Maréchal
4. McCabe, Trevion & Butterfield
5. Faenese, Tramontano, Fida & Pacilio

در آن جامعه باشد؛ زیرا طبق تعریف مرتون¹ (1973)، زمانی که افراد راه‌های قانونی برای رسیدن به اهداف خود نیابند، به اصطلاح قانون را دور می‌زنند. (علیخواه، بولاغی و یاقوتی، 1393)

ساختار فرهنگی؛ شیوه‌ها، راه‌ها و هنجارهای مشروع رسیدن به اهداف و آرمانهای فرهنگی را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند و هر گروهی ناگزیر است تا اهداف فرهنگی خود را با راه‌های مجاز و نهادی شده منطبق کند. با این توصیف، این روشها و هنجارهای نظم‌دهنده، با راه‌های کارآمد و فنی یکی نیستند، بلکه راه‌های دیگری نیز وجود دارد که کارآمد بوده و نیل به اهداف را آسان می‌سازند؛ ولی با هنجارها و دستورات اخلاقی جامعه تضاد دارند؛ مانند احتکار، سرقت، تقلب و نظایر آن که امنیت اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند. هنگامی که میان اهداف فرهنگی و راه‌های نهادی شده هماهنگی وجود نداشته باشد، فریبکاری، فساد و رشوه‌خواری و ارتکاب انواع جرائم افزایش و امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد (مرتون، 1973). تقلب در تحصیل و آموزش، شامل انواع گوناگونی است. تقلب در امتحان و تقلب در انجام تکلیف درسی و آموزشی، از عمده‌ترین تقسیم‌بندی‌های تقلب تحصیلی است (خامسان و امیری، 1390). تقلب امتحانی به عنوان عمل دادن یا گرفتن کمک غیر مجاز در یک تکلیف علمی یا گرفتن امتیاز (نمره) برای کاری که جعل شده، تعریف می‌شود (جمیری، 1385). تقلب در امتحان به معنای مجموعه اعمال غیر مجازی است که توسط دانشجویان به صورت مخفیانه یا آشکار و به منظور کسب نمره مطلوب برای خود یا دیگری صورت می‌گیرد (علیخواه، بولاغی و یاقوتی، 1393). این نگرانی وجود دارد که اگر دانشجویان به عدم صداقت علمی به عنوان یک رفتار هنجاری نگاه کنند، آنها به رفتار غیر اخلاقی در کسب و کار نیز به عنوان رفتاری هنجاری نگاه خواهند کرد (مگان، 2006). اگر آنها فکر کنند که همه تقلب می‌کنند، آنها هم به احتمال زیاد تقلب خواهند کرد (مک‌کیب و تریویون، 1999) و زمانی که وارد دنیای کسب و کار می‌شوند، اگر احساس کنند تقلب امری عادی و قابل قبول است، آنها نیز ممکن است در شیوه‌های غیر اخلاقی کسب و کار درگیر شوند. (کول و اسمیت، 1996³؛ مگان، 2006)

در سراسر جهان پژوهشهای متعددی درباره موضوع تقلب صورت گرفته است. در برخی از پژوهشها، ریشه‌های این امر با انگیزه متقلبان برای تقلب بررسی و دلایل آن: ترس از مشروط شدن (مرادی و سعیدی جم، 1380)، ترس از والدین و فشار آنان برای کسب موفقیت (مک‌کیب و تریویون، 1999؛ جمال‌آبادی، 2008)، رواج تقلب و عادی شدن آن در محیط دانشگاه (مک‌کیب و تریویون، 1999؛ بکر و پاپ، 2003؛ الدوایری و الوحیدی، 2004⁵؛ کالاها، 2004⁶؛

1. Merton
2. Mangan
3. Cole & Smith
4. Baker & Papp
5. Al-Dwairi & Al-Waheidi
6. Callahan

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی ♦ 209

جمال‌آبادی، 2008؛ وایدمن،¹ 2008؛ بتول و همکاران، 1390)، سختگیری بیش از حد مدرّسان (مرادی و سعیدی جم، 1380؛ خامسان و امیری، 1390)، نبود انگیزه و آمادگی برای یادگیری (بتول و همکاران، 1390؛ خامسان و امیری، 1390)، فشرده‌گی زمان امتحانات (مرادی و سعیدی جم، 1380)، کافی نبودن دستورالعمل‌های دانشگاهی و نبود مجازات‌های شدید برای متقلبان (لاتروپ و فوس،² 2000؛ وایدمن، 2008)، شرکت در فعالیتهای فوق درسی (مک‌کیب و تریویون، 1999؛ وایدمن، 2008؛ بتول و همکاران، 1390)، دسترسی آسان به فناوری‌های جدید اطلاعاتی از قبیل تلفن همراه (لاتروپ و فوس، 2000؛ هارپر،³ 2006؛ وایدمن، 2008)، محیط آزمون (هینمن،⁴ 2002؛ آندرمن،⁵ 2007؛ بتول و همکاران، 1390)، علاقه به هنجارشکنی خالی کردن هیجان‌ات روحی (جمال‌آبادی، 2008)، احتمال کم کشف تقلب در آزمون (لاتروپ و فوس، 2000)، مدیریت ضعیف امتحانات، کمک به دوستان (الدوایی و الوحیدی، 2004) و تبلی و انتخاب ساده‌ترین راه (مک‌کیب و تریویون، 1999؛ جمال‌آبادی، 2008) نشان داده شده است. تمرکز برخی دیگر از پژوهشها بر تفاوت‌های جمعیت‌شناختی متقلبان در آزمون، از جمله: سن (وایدمن، 2008؛ خامسان و امیری، 1390؛ بتول و همکاران، 1390)، سنوات تحصیلی (وایدمن، 2008)، معدل تحصیلی (بتول و همکاران، 1390)، رشته تحصیلی (خامسان و امیری، 1390) و تفاوت‌های روان‌شناختی متقلبان، از قبیل نگرش به تقلب (هاینس و همکاران،⁶ 1986؛ مک‌کیب و تریویون، 1999؛ لاو و سیمونز،⁷ 1998) بوده است.

با توجه به پژوهشهای انجام شده در این زمینه، می‌توان گفت که رفتار تقلب دانشجویان در آزمونهای دانشگاهی، متأثر از عوامل شناختی، تحصیلی و انگیزشی است. محققان بسیاری در سیستم آموزشی علاقه‌مند به رابطه بین مشکل عدم صداقت علمی و نرخ رو به افزایش آن می‌باشند (ویلیامز و هوسک،⁸ 2003؛ ایستمن-آیر⁹ و ایستمن، 2006). در کار ادبی؛ کیدول و همکاران¹⁰ (2003) و چاپمن و همکاران¹¹ (2004) نشان دادند که 75 درصد از دانشجویان گزارش تقلب داده‌اند و این شبیه 63 درصد گزارش شده توسط نونیز و سوئیفت¹² (1998) است.

سیدحسینی داورانی (1383) به بررسی فراوانی نسبی تقلب در بین دانشجویان پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان داد که نرخ شیوع برخی از انواع تقلب، حدود 50 درصد است؛ از جمله: آگاه نکردن استاد هنگام اشتباه در تصحیح ورقه، 50/7 درصد؛ نگاه کردن از روی برگه دیگران یا در معرض دید قرار دادن برگه‌ها

-
1. Wideman
 2. Lathrop & Foss
 3. Harper
 4. Hinman
 5. Anderman
 6. Haines, Diekhoff, Labeff & Clark
 7. Love & Simmons
 8. Williams & Hosek
 9. Eastman - Iyer
 10. Kidwell, Wozniak & Laurel
 11. Chapman, Davis, Toy & Wright
 12. Nonis & Swift

52/4 درصد یا دریافت و ارسال پاسخ سؤالات از طریق ایما و اشاره 49/4 درصد. مرادی و سعیدی جم (1380) علل گرایش به تقلب در بین دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه همدان را بررسی کردند. نتایج نشان داد که دانشجویان، عدم انگیزه برای یادگیری، راحت طلبی یادگیرنده، فشرده بودن زمان امتحانات و سختگیری بیش از حد استادان را به عنوان مهم ترین علل گرایش به تقلب ذکر کرده اند. نتایج پژوهش خامسان و امیری (1390) نیز نشان داد میزان تقلب در بین پسران بیشتر از دختران و باور به عمومیت داشتن تقلب، در دختران به طور معناداری بیش از پسران بود. رایج ترین شیوه انجام تقلب در جلسات امتحان، نگاه کردن و نوشتن روی کاغذ و رایج ترین شیوه تقلب در انجام تکالیف درسی، گرفتن تکلیف از همکلاسی و از اینترنت است. در ارتباط با علت تقلب، نتایج پژوهش نشان می دهد که عوامل درونی نظیر عدم مسئولیت پذیری و نداشتن وقت کافی، بیش از عوامل بیرونی، نظیر سخت بودن تکلیف و توقع زیاد داشتن از دانشجو، به عنوان علت تقلب توسط دانشجویان تأکید شده است. به طور خلاصه می توان گفت که بررسی موضوع تقلب در بین دانشجویان از دو جهت دارای اهمیت است؛ چنانچه دانشجو در محیط آموزشی به انجام امور خلاف عادت کند، آینده شغلی وی به احتمال بیشتری آلوده به مسائل غیر اخلاقی می شود (سیرلز،¹ 1990؛ گابرسون،² 1997). اگر قرار باشد دانشجویان با تقلب امتحانات خود را پشت سر بگذارند، در نهایت سواد و معلومات آنها از سطح مطلوبی برخوردار نخواهد بود و این امر می تواند ضررهای جبران ناپذیری به آینده جامعه وارد کند. (روزانسه،³ 1991)

بیج و اسکات⁴ (2009) در پژوهشی با عنوان «بررسی تقلب علمی با تأکید بر هویت اخلاقی و اضطراب اجتماعی در میان دانشجویان آمریکایی»، نتیجه گرفتند دانشجویانی که اهمیت بیشتری به هویت اخلاقی می دادند، نسبت به دانشجویانی که اهمیت کمتری نسبت به هویت اخلاقی خود قائل بودند، به طور قابل توجهی مقدار کمتری از تقلب علمی را به یاد می آورند. ون استینکیست و سیرنس⁵ (2009) در پژوهشی، نیمرخ انگیزشی از دیدگاه خودمختار میان دانش آموزان و دانشجویان را بررسی کردند. یافته ها به طور کلی طرفدار چشم انداز کیفی در مقایسه با گروه دیگر است؛ گروه انگیزه با کیفیت خودنمایش داده شده، بهینه ترین الگوی یادگیری و بالاترین نمره در درک نیاز به حمایت تدریس را نشان دادند. رتینگر و جردن⁶ (2005) در پژوهشی، رابطه بین دین، انگیزش و تقلب دانشگاهی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که افراد متقلب در دوره هایی که در آن تقلب کرده بودند، نسبت به دوره هایی که در آن تقلب نکرده بودند، انگیزه تسلط پایین و انگیزه بیرونی بالا داشتند و همچنین متقلب ها، در دوره هایی که در آن

1. Sierles

2. Gaberson

3. Rozance

4. Badge & Scott

5. Vansteenkiste & Sierens

6. Rettinger & Jordan

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی ♦ 211

تقلب کرده بودند، در انگیزه تسلط پایین تر و در انگیزه بیرونی بالاتر از غیر متقلب‌ها بودند. هادری و کارلو¹(2005)، در نتایج تحقیق خود دریافتند که استدلال اخلاقی بر انگیزش اخلاقی مؤثر است و هويت اخلاقی منبع انگیزش اخلاقی است که به خودپنداری، علایق اخلاقی و ارزشهای اخلاقی اختصاص دارد. همچنین هويت اخلاقی سهم بسزایی در رفتار اخلاقی دارد و افراد دارای هويت اخلاقی بالاتر، سطح بالاتری از رفتار اخلاقی را دارند. مک‌کیب(2005)، در نظرسنجی‌های ملی خود از دانشجویان کالج اعلام کرد که 70 درصد مراجعه‌کنندگان به درگیر شدن در برخی از اشکال عدم صداقت دانشگاهی، نزدیک به 25 درصد اقدام به عمل جدی تقلب در آزمون و 40 درصد به سرقت ادبی از اینترنت اعتراف کردند.

نگاهی به تحقیقات پیشین مسئله نشان می‌دهد که درباره علل اخلاقی موضوع تقلب در امتحان، عموماً تحقیقاتی کمی صورت گرفته است و تحقیقات انجام‌یافته بیشتر در پی بررسی میزان فراوانی و شیوع این مسئله در محیط‌های آموزشی بوده‌اند. همچنین بیشتر، متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی، شامل جنس و سن در ارتباط با موضوع بررسی شده‌اند(سپهری‌نیا و دریس، 1376؛ خامسان و امیری، 1390؛ خدایی، مقدم‌زاده و صالحی، 2011؛ نقدی‌پور، 2013). در تحقیقات اندکی، عوامل دیگری همچون: هوش اخلاقی بررسی شده است. در تحقیقات انجام‌شده، تأثیر عوامل درونی نظیر عدم مسئولیت‌پذیری و عدم وقت کافی بیش از تأثیر عوامل بیرونی نظیر سخت بودن تکلیف و توقع زیاد از دانشجو ارزیابی شده است. این تحقیق در پی مقایسه هوش اخلاقی تقلب در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی دانشگاه ارومیه است.

هوش اخلاقی، توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنهاست. باورهای اخلاقی، اعتقاد فرد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین است. به همین سبب، فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای هم‌نوا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد(ممتاز، 1381). در تحقیقی نشان داده شد میان باورهای اخلاقی دانشجویان با میزان وقوع تقلب رابطه معکوس و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که با ضعف باورهای اخلاقی دانشجویان، میزان مشارکت آنان در تقلب افزایش پیدا می‌کند(علی‌وردی‌نیا و صالح‌نژاد، 1392). تعالیم اخلاقی، اطلاعات دقیق مربوط به اصول و تشخیص رفتار درست از غلط است؛ بدین معنی که در اصل، دانشجویان‌اند که خودتنظیمی و خودآموزی را یاد گرفته، آن را در رفتار روزمره خود منعکس خواهند کرد. از آنجا که ارزشهای اخلاقی مستلزم استفاده از اصول فردی در عمل است، پس می‌توانیم ببینیم که هوش اخلاقی با تقلب در امتحانات مرتبط است(اولوسولا، آجایی و سامسون، 2015).

با توجه به اهمیت تقلب و نیاز به مطالعه عوامل تأثیرگذار بر عدم صداقت علمی که با سرعت بالایی در حال پیشرفت در مؤسسات آموزشی است و در راستای گام برداشتن در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تقلب، لازم است تحقیقاتی در خصوص شناسایی عوامل مرتبط با آن در دانشجویان متقلب انجام پذیرد. با وجود مطالعات انجام شده، هنوز هم خلأهایی در رابطه با عوامل اخلاقی و رابطه آن با تقلب وجود دارد. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که: آیا تفاوتی بین دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی از لحاظ هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن وجود دارد؟

ج) مرور ادبیات تحقیق

تقلب در لغتنامه؛ معادل ناراستی، دورویی، مکر، دروغ، خیانت، نفاق و نادرستی تعریف شده است و در حوزه‌های مختلف به انواع مختلفی تعریف می‌شود (خامسان و امیری، 1390). باورز¹ (1964) اولین کسی بود که پیرامون تقلب در مؤسسات آموزشی عالی دست به مطالعه گسترده‌ای زد. وی تقلب را به معنی محدودش مورد استفاده قرار داد و آن را مثلاً شامل سرقت ادبی نمی‌دانست. مکینتاش² (1977) تقلب را به عنوان یک تخلف در برابر اصول درست، عدالت و نیز تخلف در برابر قوانین خاص با معیار رفتار تعریف کرده است. رامامورتی و اولسن³ (2007) تقلب را تلاشی انسانی که فریب، هدف شدت گرفتن آرزو، ریسک دستگیری، تخطی از اعتماد، توجیه عقلی و مواردی از این قبیل می‌دانند. از نظر آنها، تقلب دانشگاهی، نمایش غیر واقعی یک شخص از دانش فردی خویش یا وانمود کردن خویش به مثابه فردی باسواد و آگاه با استفاده از راه‌ها و شیوه‌های دروغین و فریب‌آمیز تعریف شده است.

هوش اخلاقی اولین بار توسط بوربا⁴ (2005) ارائه شد. وی هوش اخلاقی را توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها بیان کرد. هوش اخلاقی ظرفیت به کار بردن اصول اخلاقی در ارزشهای خود، اهداف و اعمال شخص (یا توانایی دیدن آنچه درست است و ادغام آن در زندگی و اعمال شخصی) است (لنیک و کیل، 2005⁵).

1. Bowers
2. McIntosh
3. Ramamoorti & Olsen
4. Borba
5. Lennik & Kiel

د) مرور پیشینه تحقیق

فیض‌اله‌نژاد و همکاران (1393)، پژوهشی را با عنوان «پیش‌بینی پدیده تقلب در دانشجویان کارشناسی بر اساس مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی و هویت اخلاقی در دانشگاه تبریز» انجام دادند. در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد؛ به این ترتیب که متغیرهای انگیزش تحصیلی و هویت اخلاقی، به عنوان متغیر پیش‌بین و پدیده تقلب به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. بنابر این، نتیجه گرفته شد که بین انگیزش بیرونی، انگیزش همانندسازی شده و انگیزش فرافکن با تقلب دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین هویت نمادسازی شده و تقلب، رابطه مستقیم وجود دارد؛ در حالی که بین هویت درونی با تقلب، رابطه معناداری مشاهده نشد.

علی‌وردی‌نیا و صالح‌نژاد (1392)، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر در اقدام به تقلب دانشجویان در دانشگاه ارومیه انجام دادند. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد میزان انواع سه‌گانه تقلب و متغیر کلی تقلب در میان دانشجویان در حد پایین است. علاوه بر آن، تقلب جلسات امتحانی، رایج‌ترین نوع تقلب در میان آنان بوده است. نتایج استنباطی نیز بیان می‌دارد در حالی که از میان متغیرهای انتخاب عقلانی، دو متغیر میزان منافع تقلب و فرصتهای انحرافی با تقلب رابطه‌ای مستقیم و معنادار دارند، میان متغیر باورهای اخلاقی دانشجویان با میزان وقوع تقلب رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

اژه‌ای، شهابی و علی‌یازی (1390)، در پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیت با خود گزارش دهی تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی»، به این نتیجه رسیدند که دو عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی و توافق، با خود گزارش دهی تقلب تحصیلی همبستگی منفی دارند و نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داده است عامل شخصیتی وظیفه‌شناسی، 8 درصد و همراه با توافق 10/3 درصد از ثمرات واریانس تقلب تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند.

بیج و اسکات (2009) در پژوهش خود نتیجه گرفتند دانشجویانی که اهمیت بیشتری به هویت اخلاقی می‌دادند، نسبت به دانشجویانی که اهمیت کمتری نسبت به هویت اخلاقی خود قائل بودند، به طور قابل توجهی مقدار کمتری از تقلب علمی را به یاد می‌آورند.

رتینگر و جردن (2005)، در پژوهشی رابطه بین دین، انگیزش و تقلب دانشگاهی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که افراد متقلب در دوره‌هایی که در آن تقلب کرده بودند نسبت به دوره‌هایی که در آن تقلب نکرده بودند، انگیزه تسلط پایین و انگیزه بیرونی بالا را دارا بودند و همچنین متقلب‌ها، در دوره‌هایی که در آن تقلب کرده بودند، در انگیزه تسلط پایین‌تر و در انگیزه بیرونی بالاتر از غیر متقلب‌ها بودند.

هادری و کارلو (2005)، در نتایج تحقیق خود دریافتند که استدلال اخلاقی بر انگیزش اخلاقی مؤثر است و هویت اخلاقی منبع انگیزش اخلاقی است که به خودپنداری، علاقه اخلاقی و ارزشهای اخلاقی

اختصاص دارد. همچنین هویت اخلاقی سهم بسزایی در رفتار اخلاقی دارد و افرادی که دارای هویت اخلاقی بالاترند، سطح بالاتری از رفتار اخلاقی را دارند.

مالینوفسکی و اسمیت¹ (1985)، رابطه بین مرحله اخلاقی شرکت کنندگان و رفتارهای تقلب را مطالعه کردند. آنها یک همبستگی منفی بین سطح توسعه اخلاقی و تقلب را پیدا کردند. اگر چه شرکت کنندگان از لحاظ قضاوت اخلاقی در سطح پایین بودند، ولی افراد با قضاوت اخلاقی بالا نیز هنگامی که تقلب به وسوسه قوی تبدیل می‌شد، تسلیم می‌شدند.

فورست و ویلیام² (1984) در مطالعه تقلب دانشگاهی که فرضیه کلبرگ³ درباره محتوای مراحل اخلاقی دیگران را بررسی کردند، هیچ شرکت کننده‌ای را که در سطوح بالاتر از مدل توسعه اخلاقی در تقلب درگیر شده باشد، پیدا نکردند.

لمینگ⁴ (1978) و کلبرگ (1973) در پژوهشهای خود درباره تقلب به این نتیجه رسیدند که رفتار اخلاقی با مراحل بالای تحول اخلاقی ارتباط دارد (نقل از: گلیگان⁵، 1990).

ه) روش

طرح پژوهش با توجه به موضوع آن، توصیفی، از نوع علی - مقایسه‌ای است.

1. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان متقلب دارای حکم انضباطی از سوی کمیته انضباطی بود که در بازه زمانی 1392 تا 1395 این حکم را دریافت کرده بودند. حجم جامعه آماری بر اساس گزارش معاونت آموزشی، 36 دانشجو در تمام مقاطع تحصیلی بود (N=36). نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل 20 دانشجوی متقلب آموزشی بود که در جلسه امتحان آخر ترم، مرتکب یکی از انواع تقلب شده و این تقلب توسط مراقبان جلسه یا استاد مرتبط، کشف و به آموزش دانشکده مربوط گزارش شده و توسط مسئول آموزش دانشکده ضمن تنظیم صورتجلسه، به کمیته انضباطی دانشگاه ارسال شده و پس از طرح و بررسی موضوع در کمیته انضباطی دانشگاه، دانشجو به علت تخلف در امتحانات، حکم کمیته انضباطی دریافت کرده و نمره 0/25 برای وی در درس مربوط ثبت شده است. گفتنی است که در

1. Forsyth & William
2. Malinowski & Smith
3. Kohlberg
4. Leming
5. Gilligan

215 مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی

مطالعات علی - مقایسه‌ای، حداقل حجم نمونه برای هر زیرگروه، 15 نفر است (دلور، 1382)، اما در مطالعه حاضر برای افزایش اعتبار بیرونی و فرایند تعمیم‌پذیری و همچنین احتمال افت آزمودنی، برای هر یک از زیرگروه‌های دانشجویان متقلب و غیر متقلب، 20 دانشجو انتخاب شد. لذا حجم نمونه آماری مطالعه حاضر 40 نفر است. همچنین با توجه به اینکه فهرست جامعه آماری در دسترس بود، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در ضمن برای انتخاب نمونه مورد مقایسه (دانشجویان غیر متقلب آموزشی) از بین دانشجویان غیر متقلب، با روش هم‌تاسازی از لحاظ سن، جنس، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی و سال ورودی به دانشگاه، 20 نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

2. ابزار

مقیاس هوش اخلاقی: برای سنجش هوش اخلاقی، از پرسشنامه‌ای که توسط لنینک و کیلی (2005) ساخته شده و مشتمل بر 40 سؤال است، استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس نمره‌گذاری طیف لیکرت، از هرگز تا همیشه (امتیاز 1 تا 5) طراحی شده است. پرسشنامه مذکور دارای چهار مؤلفه درستکاری، مسئولیت، دلسوزی و بخشش است. در این پرسشنامه هر پاسخ‌دهنده در مجموع، امتیازی بین حداقل 40 و حداکثر 200 کسب می‌کند که با تقسیم آن بر 2، امتیاز نهایی هوش اخلاقی وی، امتیازی بین 20 تا 100 خواهد بود که امتیاز 90 تا 100، امتیاز عالی؛ 80 تا 89، خیلی خوب؛ 70 تا 79 خوب و 69 و کمتر از آن ضعیف است. بهرامی و همکاران (1391) که در تحقیق خود از این پرسشنامه استفاده کرده‌اند، گزارش داده‌اند: در این پژوهش از نسخه اصلی پرسشنامه توسط یکی از محققان به فارسی برگردانده شده و سپس مجدداً توسط متخصص ادبیات انگلیسی به انگلیسی ترجمه شده و با نسخه اصلی مقایسه شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان تأیید شد. همچنین پایایی پرسشنامه ترجمه شده با انجام آزمون بازآزمون در یک نمونه 16 نفره از جامعه پژوهش و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (0/894) تأیید شد. در مطالعه حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ 0/78 به دست آمد که نشان از روایی مطلوب این پرسشنامه دارد.

روش اجرا: در پژوهش حاضر از روش پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. به این منظور، دانشجویان معرفی شده از سوی آموزش کل که تقلب در امتحانات آنان محرز شده و به علت تخلف در امتحانات حکم کمیته انضباطی دریافت کرده و نمره 0/25 برای آنان در درس مربوط ثبت شده بود و همچنین دانشجویانی که برای مقایسه به عنوان دانشجویان غیر متقلب انتخاب شده بودند، با همکاری مسئولان دانشکده‌های مربوط به دفتر آموزش دانشکده دعوت شدند و به آنان اطلاع داده شد که به صورت تصادفی برای همکاری با پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند تا در صورت تمایل همکاری کنند و از آنان تقاضا شد پرسشنامه هوش اخلاقی را تکمیل کنند. هر 40 نفر دانشجویی دعوت شده، پرسشنامه‌ها را تکمیل و تحویل دادند. داده‌های به دست آمده به وسیله نرم‌افزار SPSS و با استفاده از روش آماری

216 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 23

توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون باکس، آزمون لوین، آزمون گلمرینف - اسمیرینف و تحلیل واریانس چند متغیری مانکووا) تجزیه و تحلیل شدند.

(و) یافته‌ها

جدول 1: میانگین و انحراف استاندارد نمونه مورد مطالعه در مؤلفه‌های هوش اخلاقی

غیر متقلبان		متقلبان		مؤلفه‌ها
SD	M	SD	M	
4/37	29/67	3/45	21/38	درستکاری
3/56	31/73	4/24	19/58	مسئولیت‌پذیری
3/87	30/57	3/12	28/91	دلسوزی
4/43	32/42	3/24	28/51	بخشش
12/70	118/46	10/67	91/82	هوش اخلاقی کل

جدول 1، میانگین و انحراف استاندارد متغیر وابسته هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد در کل میانگین دانشجویان متقلب در هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن کمتر از دانشجویان غیر متقلب بوده و در بخش یافته‌های استنباطی میزان معناداری این تفاوت سنجش شده است.

برای رعایت پیش‌فرضهای تحلیل کوواریانس، از آزمون لوین و باکس استفاده شد. نتایج نشان داد سطح آماره F برای هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن معنادار نیست ($P \geq 0/05$) و این نشان‌دهنده آن است که واریانس خطای این متغیرها در بین آزمودنی‌ها متفاوت نیست و واریانس‌ها با هم برابرند. برای بررسی فرض همگنی کوواریانس‌ها نیز از آزمون باکس استفاده شد. نتایج نشان داد که مقدار باکس معنادار نیست ($0/324$ $P=$ و $F=2/11$ و $BOX=42/32$) و در نتیجه، پیش‌فرض تفاوت بین کوواریانس‌ها برقرار است.

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی ♦ 217

جدول 2: نتایج شاخصهای اعتباری آزمون معناداری تحلیل کوواریانس چند متغیری بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی

منبع	نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	P
گروه	اثر پیلاپی	0/869	86/00	4/00	31/00	0/000
	لامبدا ویلکز	0/026	86/00	4/00	31/00	0/000
	اثر هتلینگ	41/25	86/00	4/00	31/00	0/000
	بزرگ‌ترین ریشه خطا	41/25	86/00	4/00	31/00	0/000

نتایج جدول 2 نشان می‌دهد که سطوح معناداری همه آزمونها قابلیت استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری را مجاز می‌شمارد. نتایج نشان می‌دهد که در بین دو گروه متقلب و غیر متقلب آموزشی، حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته، تفاوت معنادار وجود دارد. به منظور اینکه دو گروه مورد مطالعه در کدام یک از مؤلفه‌های متغیرهای وابسته با یکدیگر تفاوت آماری معناداری دارند، در جدول 3 نتایج مربوط به تحلیل کوواریانس چند متغیری ارائه شده است.

جدول 3: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA) بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی

منبع	متغیر وابسته	SS	df	MS	F	p
گروه	درستکاری	155/12	1	155/12	121/38	0/000
	مسئولیت‌پذیری	201/57	1	201/57	145/21	0/000
	دلسوزی	26/56	1	26/56	2/54	0/097
	بخشش	164/24	1	164/24	181/65	0/000
	هوش اخلاقی کل	1032/78	1	1032/78	231/21	0/000

مطابق جدول 3، در دو گروه متقلب و غیر متقلب آموزشی، به جز مؤلفه دلسوزی، در سایر مؤلفه‌ها تفاوت معناداری در سطح $P \leq 0/001$ وجود دارد. به عبارت دیگر؛ میانگین دانشجویان غیر متقلب در هوش اخلاقی و مؤلفه‌های درستکاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش، کمتر از دانشجویان غیر متقلب بوده؛ ولی در مؤلفه دلسوزی تفاوت معناداری به دست نیامد؛ اما در کل، هوش اخلاقی دو گروه متقلب و غیر متقلب آموزشی به طور معناداری متفاوت است.

(ز) بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر، مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی در دانشگاه ارومیه بود. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره نشان داد میانگین دانشجویان متقلب، در هوش اخلاقی و مؤلفه‌های درستکاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش، کمتر از دانشجویان غیر متقلب است؛ ولی در مؤلفه دلسوزی، تفاوت معناداری به دست نیامد؛ اما در کل، هوش اخلاقی بین دو گروه متقلبان و غیر متقلبان آموزشی به طور معناداری متفاوت است. نتیجه‌ای که از این فرضیه به دست آمد، با نتایج پژوهشهای اولوسولا و همکاران (2015)، فیض‌اله‌نژاد و همکاران (1393)، علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد (1392)، رتینگر و جردن (2005)، هاردی و کارلو (2005)، مالینوفسکی و اسمیت (1985) و فورست و ویلیام (1984) همسو است. اولوسولا و همکاران (2015) در تحقیق خود بیان کردند که تعالیم اخلاقی، اطلاعات دقیق مربوط به اصول و تشخیص رفتار درست از غلط است؛ بدین معنی که در اصل دانشجویان‌اند که خود تنظیمی و خودآموزی را یاد گرفته، آن را در رفتار روزمره خود منعکس خواهند کرد. از آنجا که ارزشهای اخلاقی مستلزم استفاده از اصول فردی در عمل است، پس می‌توانیم ببینیم که هوش اخلاقی با تقلب در امتحانات مرتبط است. این نتیجه همسو با نتیجه تحقیق حاضر است. به گفته ممتاز (1381)، میان باورهای اخلاقی دانشجویان با میزان وقوع تقلب، رابطه‌ای معکوس و معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که با ضعف باورهای اخلاقی دانشجویان، میزان مشارکت آنان در تقلب افزایش پیدا می‌کند، که با این پژوهش همسو است. فیض‌اله‌نژاد و همکاران (1393) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین انگیزش بیرونی، انگیزش همانندسازی شده و انگیزش فراقکن با تقلب دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین هویت نمادسازی شده و تقلب، رابطه مستقیم وجود دارد؛ در حالی که بین هویت درونی با تقلب، رابطه معناداری مشاهده نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: هوش اخلاقی متضمن درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل و ظرفیت به کار بردن اصول اخلاقی در ارزشهای خود، اهداف و اعمال شخص (یا توانایی دیدن آنچه درست است و ادغام آن در زندگی و اعمال شخصی) است. (بوربا، 2005)

یکی از ابعاد رشد و تحول که از دوران کودکی تا سالهای بزرگسالی در کنار دیگر ابعاد رشد شکل می‌گیرد، رشد اخلاقی است. وقتی مردم درباره رشد اخلاقی صحبت می‌کنند، آنها به رفتار و نگرش خود نسبت به سایر مردم در جامعه اشاره دارند. به عبارتی؛ آنها به پیروی ما از هنجارهای اجتماعی، مقررات و قوانین، عرف و آداب و رسوم توجه می‌کنند. سقراط عنوان می‌کرد که انسانها فقط کافی است بدانند چه چیزی خوب و چه چیزی بد است؛ چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است؛ چه چیزی فضیلت و چه

مقایسه هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان متقلب و غیر متقلب آموزشی ♦ 219

چیزی ردیلت است. همین که بدانند، به مقتضای دانسته‌های خود حتماً عمل می‌کنند (کرمی، 1386). باورهای اخلاقی، اعتقاد فرد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین است. بر این اساس، فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای هم‌نوا بودن و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد. مدل رفتاری تئوری انتخاب عقلانی، انسانها را فاعلان عاقلی می‌داند که به شیوه‌ای که مطابق و موافق با ارزیابی‌های شخصی‌شان از منفعت مورد انتظارشان است، عمل می‌کنند. این ارزیابی‌ها مبتنی بر ادراکات موقعیت‌محور از هزینه‌های مورد انتظار (نظیر مجازات‌ها) و انگیزه‌های (نظیر هیجان‌ات) مشارکت در یک رفتار خاص است (تیبس و مایرز، 1999). نظریه انتخاب عقلانی در رفتارهای متقلبان دانشگاهی، بر اهمیت منافع حاصل از تقلب، همانند اجتناب از کار و تلاش، دستیابی به نمرات بالاتر، تحمل کمتر فشار و استرس یا صرفه‌جویی در زمان، در نقطه مقابل هزینه‌هایی مانند احتمال توقیف یا محرومیت از سواد و دانش مورد نیاز برای کسب موفقیت‌های آتی تأکید دارد (مگی و اسپاک²، 2008)؛ بدین معنا، نظریه انتخاب عقلانی عنوان می‌کند که افراد، تصمیم‌گیری راجع به مشارکت یا عدم مشارکت در تقلب را بر پایه ملاکها و باورهای اخلاقی فردی‌شان در قالب موقعیت‌های انحرافی که پاداشها و هزینه‌هایی را متعاقباً برای آنان به همراه دارد، به انجام می‌رسانند. این نظریه نیز همسو با پژوهش حاضر است. بنابر این، دانشجویانی که در بُعد هوش اخلاقی نمرات کمتری به دست آورند، گرایش به پدیده تقلب بیشتری دارند.

محدودیتها و پیشنهادها

با توجه به اینکه ابزار این پژوهش، پرسشنامه بوده است، امکان کنترل تمام متغیرهای تحقیق مانند میزان دقت پاسخ‌دهی و سوگیری در هنگام پاسخ به سؤالات وجود نداشت؛ که این امر از تبعات استفاده از ابزار خود گزارش‌دهی است. این پژوهش روی دانشجویان دانشگاه ارومیه انجام گرفته است و تعمیم آن به دانشجویان سایر دانشگاهها و گروههای اجتماعی باید با احتیاط صورت بگیرد. با توجه به علی-مقایسه‌ای بودن نوع پژوهش، در استفاده از آن در تبیین روابط همبستگی باید با احتیاط عمل شود.

1. Tibbetts & Myers

2. Megehee & Spake

220 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 23

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اینکه بین عوامل اخلاقی در دانشجویان متقلب و غیرمتقلب آموزشی تفاوت معناداری وجود دارد، پیشنهاد می‌شود از نتایج آن برای سیاستگذاری در سطح خرد و کلان به منظور تقویت عوامل اخلاقی برای جلوگیری از ارتکاب دانشجویان به پدیدهٔ تقلب استفاده شود.

پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی در دانشگاه‌های دیگر انجام شود تا با اطمینان بیشتری به تعمیم نتایج آن پرداخته شود.

پیشنهاد می‌شود از ابزارهای دیگری مانند مصاحبه و مشاهده برای سنجش این متغیرها استفاده شود تا از سوگیری آن کاسته شود.

پیشنهاد می‌شود میزان اهمیت و اجرای دقیق مقررات منع تقلب دانشگاهی در مؤسسات آموزشی بررسی شود.



منابع

- ازه‌ای، جواد؛ روح‌اله شهابی و هوشنگ علی‌بازی (1390). «رابطه ویژگی‌های شخصیت با خودگزارش‌دهی تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی». *مجله روان‌شناسی*، ش 15 (4): 412-424.
- بهرامی، محمدامین؛ اصمی، مریم؛ فاتح پناه، آزاده؛ دهقانی تفتی، عارفه و احمدی تهرانی، غلامرضا (1391). *سطح هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*. *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی*. 5 (6): 81-95.
- چمبری، زری (1385). *بررسی عوامل جامعه‌شناسانه گرایش دانشجویان به کجروی در محیط‌های آموزشی با تأکید بر هنجارهای علمی و آموزشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان.
- خامسان، احمد و محمداصغر امیری (1390). «بررسی تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر و پسر». *اخلاق در علوم و فناوری*، ش 6 (1): 41-65.
- دلاور، علی (1382). *مبانی عملی و نظری پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران، انتشارات: رشد.
- رابینگتن، ارل و مارتین واینبرگ (1382). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌اله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- سپهری‌نیا، امیر و دریس، عصمت (1376). *بررسی تأثیر تهدید به تنبیه خفیف و شدید بر نگرش به تقلب و اقدام به آن در دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی شهرستان شوش*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- سیدحسینی داورانی، سیدوحید (1383). *نگرش دانشجویان پزشکی سال اول تا ششم نسبت به انواع خلاف دانشگاهی تقلب و سنجش فراوانی آن به روش غیر مستقیم*. پایان‌نامه دکتری پزشکی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- علیخواه، فردین؛ مهدی بولاغی و هدا یاقوتی (1393). «تقلب در امتحان؛ نگاهی از درون». *راهبرد فرهنگ*، ش 27: 27-39.
- علیوردی‌نیا، اکبر و صالح صالح‌نژاد (1392). «بررسی عوامل مؤثر در اقدام به تقلب دانشجویان». *اخلاق در علوم و فناوری*، ش 8 (1): 63-86.
- فیض‌اله‌نژاد، واحدی و بدری (1393). *پیش‌بینی پدیده تقلب در دانشجویان کارشناسی بر اساس مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی و هویت اخلاقی در دانشگاه تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- کرمی، حبیب (1386). *رضایتمندی اخلاقی دانش‌آموزان درمورد نگرش و شدت اخلاقی*. فصلنامه علوم اجتماعی. 46: 186-228.
- مرادی، ولی‌اله؛ سعیدی جم، مسعود (1380). *بررسی علل گرایش دانشجویان به تقلب در امتحانات دانشجویان علوم پزشکی همدان در سال 1375*. طب و تزکیه. 40، 19-16.
- ممتاز، فریده (1381). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: سهامی انتشار، چ سوم.

- Al-Dwairi, Z.N. & M.E. Al-Waheidi (2004). **“Cheating Behaviors of Dental Students”**. *Journal of Dental Education*, 68 (11): 1192-1195.
- Alikhah, Fardin; Mehdi Bolaghi & Hoda Yaghoti (2014). **“Taghallob dar Emtehan, Negahi az Daron”** [Cheating in Examination: a Look from Within]. *Strategy for Culture*, (Persian Quarterly), No. 27. (Persian).
- Aliverdinia, Akbar and Salehnejad, Saleh (2012). **“Investigating Factors Affecting Student Cheating”**. *Ethics in Science and Technology*, p. 8 (1): 86-63. (Persian).
- Aliverdinia, Akbar and Salehnejad, Saleh (2012). **“Investigating Factors Affecting Student Cheating”**. *Ethics in Science and Technology*, p. 8 (1): 86-63. (Persian).
- Anderman, E.M. (2007). **“The Effects of Personal, Classroom and School Goal Structures on Academic Cheating”**. In: E.M. Anderman & B.M. Tamera (Eds.). *Psychology of Academic Cheating*. Burlington, MA: Elsevier Academic Press.
- Badge, J. & J. Scott (2009). **“Dealing with Plagiarism in the Digital Age”**. *2009 Synthesis Project: Final Report*. Retrieved from: <http://evidencenet.pbworks.com/w/page/19383480>.
- Bahrami, Mohammadamin; Asami, Maryam; Fateh Panah, Azadeh; Dehghani Tafti, Arefeh and Ahmadi Tehrani, Gholamreza (2012). **Ethical Intelligence Level of Faculty Members and Employees of Yazd Shahid Sadoughi University of Medical Sciences**. *Iranian Journal of Ethics and Medical History*. 5 (6): 95-81. (Persian).
- Bahrami, Mohammadamin; Asami, Maryam; Fateh Panah, Azadeh; Dehghani Tafti, Arefeh and Ahmadi Tehrani, Gholamreza (2012). **Ethical Intelligence Level of Faculty Members and Employees of Yazd Shahid Sadoughi University of Medical Sciences**. *Iranian Journal of Ethics and Medical History*. 5 (6): 95-81. (Persian).
- Baker, R., & Papp, R. (2003). **Academic integrity violations in the digital realm**. Proceedings of the Southern Association for Information Systems Conference, Savannah, GA.
- Borba, M. (2005). **The step-by-step plan to building moral intelligence**. Jossey-Bass Publishers, 8-10.
- Bowers, W. J. (1964). **Student Dishonesty and Its Control in College**. New York: Bureau of Applied Social Research, Columbia University.
- Callahan, D. (2004). **The cheating culture: Why more Americans are doing wrong to get ahead**. Orlando, FL: Harcourt, Inc.
- Chambari, Zari (2006). **A Study of Sociological Factors in the Tendency to Deviance in the Educational Environments, with Emphasis on the Scientific and Educational Norms**. The Degree of Master of Social Sciences. University of Gilan. (Persian).

- Chapman, K.J., R. Davis, D. Toy, and L. Wright. (2004). “**Academic Integrity in the Business School Environment: I’ll Get by With a Little Help From My Friends,**” *Journal of Marketing Education* 26, 236-249.
- Cohn, Alain & Michel André Maréchal (2016). **Laboratory Measure of Cheating Predicts School Misconduct.** University of Zurich. Department of Economics. Working Paper Series. ISSN: 1664-7041 (print). ISSN: 1664-705X (Online).
- Cole, B.C. & D.L. Smith (1996). “**Perceptions of Business Ethics: Students Vs. Business People**”. *Journal of Business Ethics*, 15 (8): 889-896.
- Cole, B.C. and D.L. Smith.(1996). “**Perceptions of Business Ethics: Students Vs. Business People,**” *Journal of Business Ethics* 15 (8), 889-896.
- Delaware, Ali (2002). **Practical and theoretical foundations of research in humanities and social sciences.** Tehran, Publishing: Roshd. (Persian).
- Delaware, Ali (2002). **Practical and theoretical foundations of research in humanities and social sciences.** Tehran, Publishing: Roshd. (Persian).
- Eastman, J.K., Iyer, R., Eastman, K.L. (2006). **Addressing Academic Dishonesty: The Implications for Business Schools, Professors, and Students.** *Journal for Advancement of Marketing ducation* 9:1-8.
- Eastman. J. K., Iyer. R. & Reisenwitz. T. H. (2008). **The Impact of Unethical Reasoning On Different Types Of Academic Dishonesty: An Exploratory Study.** *Journal of College Teaching & Learnin. Volume 5, Number 12.*
- Ejei, Javad; Roohollah Shahabi & Hooshang Alibazi (2011). “**Relationship between Personality Traits and Self-Reported Academic Cheating in High School Students**”. *Journal of Psychology*, Vol. 15, No 4: 412-424. [Persian].
- Faenese, M.L.; Tramontano, R.C. Fida & M. Paciloo (2011). “**Cheating Behaviors in Academic Context: Dose Academic Moral Disengagement Mater?. International Conference of Education and Educational Psychology (ICEEPSY 2011)**”. *Procedia Social and Behavioral sciences*, 29: 356-365.
- Feyzollah Nejad, A.; Vahedi & Sh. Badri (2014). **Predict the Phenomenon of Cheating Students on the Components Motivation and Moral Identity University of Tabriz.** The Degree of Master of Social Sciences. University of Tabriz. (Persian).
- Forsyth, D.R. & S.L. William (1984). “**Attributions and Moral Judgment: Kohlberg’s Stage Theory as Taxonomy of Moral Attributions**”. *Bulletin of the Psychonomic Society*, 22: 321-323.
- Gaberson, K. B. (1997). **Academic dishonesty among nursing student.** *Nurs Forum*; 32 (3):14-20.
- Gilligan, C. (1990). **Moral development beyond adolescence.** In Charles N.Alexander & Ellen, J.Langer (Eds), *Higher stages of human development.* New York: Oxford University Press.

- Haines, V.J.; G.M Kiefhoss, E.E. LaBeff &, R Clark (1986). “**College Cheating: Immaturity, Lack of Commitment, and Neutralizing Attitude**”. *Research in Higher Education*, 25: 342-354.
- Hardy, S.A. & G. Carlo (2005). “**Moral Identities, Social Anxiety, and Academic Dishonesty among American College Students**”. *Journal Ethics & Behavior*, Vol. 17: 2007.
- Harper, M. G. (2006). **High tech cheating**. *Nurse Education Today*, 26,672-279.
- Hinman, L. M. (2002). **Academic integrity and the World Wide Web**. *Computers and Society*, March,33-42.
- Jamal Abadi, S. (2008). **Take seriously cheating of students**. *Salamat Magazin*, 199, 15-16. (Persian).
- Karami, Habib (2006). **Ethical satisfaction of students about attitude and moral intensity**. *Social Sciences Journal*. 46: 228-186. (Persian).
- Karami, Habib (2006). **Ethical satisfaction of students about attitude and moral intensity**. *Social Sciences Journal*. 46: 228-186. (Persian).
- Khamesan, A. & M. Amiri (2011). “**The Study of Academic Cheating among Male and Female Students**”. *Quarterly of Ethics in Science, Technology*, Year VI, No. 1. (Persian).
- Khodaie, E.; Moghadamzaded. A. & Salehi, K. (2011). **Factors affecting the probability of academic Cheatin school Students in tehran**. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 29. 1587-1595.
- Kidwell, L.A., Wozniak, K. & Laurel, J.P. (2003). **Student Reports and Faculty Perceptions of Academic Dishonesty**. *Teaching Business Ethics*. August 2003, Volume 7, Issue 3, pp 205–214.
- Lathrop, A., & Foss, K. (2000). **Student cheating and plagiarism in the Internet era**. Englewood, CO: Libraries Unlimited, Inc.
- Lennick, D. & F. Kiel (2005). **Moral Intelligence: the key to Enhancing Business Performance and Leadership Success**. Wharton School Publishing, An Imprint of Pearson Education.
- Love, P.G., & Simmons, J. (1998). **Factors influencing cheating and plagiarism among graduate students in a college of education**. *College Student Journal*, 32(4), 1-8.
- Malinowski, C.I. & C.P. Smith (1985). “**Moral Reasoning and Moral Conduct: An Investigation Prompted by Kohlberg’s Theory**”. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49 (4): 1016-1027.
- Mangan, K. (2006). “**Survey Finds Widespread Cheating In MBA Programs**”. *The Chronicle of Higher Education*, 53 (6): 44.
- McCabe, D.L. & L.K. Trevion (1999). “**Individual and Contextual Influence on Academic Dishonesty: A Multicapus Investigation**”. *Research in Higher Education*, 38: 379-396.

- McCabe, D.L. (2005). "Cheating among College and University Students: A North American Perspective". *International Journal of Educational Integrity*, 1 (1): 1-11.
- McCabe, D.L.; L.K. Trevion & K.D. Butterfield (2001). "Cheating in Academic Institution: A Decade of Research". *Ethnics & Behavior*, 11 (3): 219-232.
- McIntosh, P. (1977). **Fair play: Ethics in sport and education**. London: Heinemann.
- Megehee CM, Spake DF (2008). **The impact of perceived peer behavior, probable detection and punishment severity on student cheating behavior**. *Marketing Education Review* 18(2): 5-19.
- Merton, Robert. K (1973). **The Sociology of science**. university of Chicago press, (ed. with an introduction by N.W. Storer).
- Miller, Yona & Ronit Izsak (2017). "Students' Involvement in Academic Dishonesty and Their Attitudes towards Copying in Exams and Academic Papers". *Sociology and Anthropology*, 5 (3): 225-232.
- Momtaz, Farideh (2002). **The Social Deviations (Theories and Views)**. Tehran: Sahami Publication. (Persian).
- Moradi, Valiolah, Sa'idi Jam, Masoud, (2000). **Studying the causes of students' tendency to cheating in the exams of Hamedan University of medical sciences in 1375**. *Medicine and Tissue*. 40, 19-16. (Persian).
- Moradi, Valiolah, Sa'idi Jam, Masoud, (2000). **Studying the causes of students' tendency to cheating in the exams of Hamedan University of medical sciences in 1375**. *Medicine and Tissue*. 40, 19-16. (Persian).
- Naghdipour, B. & Okechukwu. L. E. (2013). **Students Justifications for academic dishonesty: call for action**. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 83. 261-265.
- Nonis, S.A. and C.O. Swift, (1998). "Deterring Cheating Behavior In The Marketing Classroom: An Analysis Of The Effects Of Demographics, Attitudes, and In-Class Deterrent Strategies". *Journal of Marketing Education* 20, 188-199.
- Olusola, O.; Ajayi & O. Samson (2015). "Moral Intelligence: An Antidote to Examination Malpractices in Nigerian Schools". *Universal Journal of Educational Research*, 3 (1): 32-38. DOI: 10.13189/ujer.2015.030105.
- Ramamoorti, Sridhar & Olsen, William (2007). **Fraud: The Human Factor. Financial Executive**. *Financial Executives International*, 53-55.
- Rettinger, D.A. & A.E. Jordan (2005). "The Relations among Religion, Motivation, and College Cheating: A Natural Experiment". *Ethics & Behavior*, 15 (2): 107-129.
- Rozance, C. P. (1991). **Cheating in medical schools: implications for students and patients**. *JAMA*; 266 (17): 2453-2456.

- Rubington, E. & M.S. Weinberg (2003). **The Study of Social Problems Seven Perspectives**. Translated by Rahmatollah Sedigh Sarvestani. University of Tehran Press. (Persian)
- Saana, Martin; Ephraim Ablordeppey, Napoleon Jackson Mensah & Thomas K. Karikari (2016). “**Academic Dishonesty in Higher Education: Students’ Perceptions and Involvement in an African Institution**”. *BMC Research Notes*. 9: 234. DOI 10.1186/s13104-016-2044-0.
- Sepehri Nia, Amir and Dares, Esmat (1997). **Investigating the Effect of Threat on Mild and Severe Punishment on Attitudes toward Fraud and Action on Girls and Boys in Third Years in Shosh County**. *Master's thesis of Shahid Chamran University of Ahvaz*. (Persian).
- Sepehri Nia, Amir and Dares, Esmat (1997). **Investigating the Effect of Threat on Mild and Severe Punishment on Attitudes toward Fraud and Action on Girls and Boys in Third Years in Shosh County**. *Master's thesis of Shahid Chamran University of Ahvaz*. (Persian).
- Seyed Hosseini Davarni, Seyed Vahed (2004). **The attitude of medical students from the first to the sixth of the year to the types of offenses of academic fraud and its indirect frequency estimation**. *Ph.D. in Medical Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz*. (Persian).
- Seyed Hosseini Davarni, Seyed Vahed (2004). **The attitude of medical students from the first to the sixth of the year to the types of offenses of academic fraud and its indirect frequency estimation**. *Ph.D. in Medical Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz*. (Persian).
- Sierles, F.; Hendrick, I. & Circle, S. (1990). **Cheating in medical School**. *J Med Educ*; 55:124-125.
- Tibbetts SG, Myers DL (1999). **Low self- control, rational choice, and student test cheating**. *American Journal of Criminal Justice* 23(2): 179-200.
- Vansteenkiste, E. & Sierens (2009). “**Motivational Profiles from a Self-Determination Perspective: The Quality of Motivation Matters**”. *Journal of Educational Psychology*, 101 (3): 671-688.
- Wideman, Maureen A. (2008). **Academic Dishonesty in Postsecondary Education: A Literature Review**. *Transformative Dialogues. Teaching and Learning Journal*, 2(1), 1-12.
- Williams, M., & Hosek, W. (2003). **Strategies for reducing academic for reducing academic dishonesty**. *Journal of Legal Studies Education*, 21, 87. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1744-1722.2003.tb00326.x>

